



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیس، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بزه دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini

Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

Mohammadreza Rostami

Master's degree student in private law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran (Corresponding Author)

Tahere Jafari

PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی

سیدعلیرضا حسینی

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران
seyed150@gmail.com

محمدرضا رستمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
rostamipersonal@gmail.com

طاهره جعفری

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران
jafari1913@gmail.com

Abstract

In Iranian law and Imami jurisprudence, the discussion of conditions that are agreed upon between the parties before the conclusion of a contract but are not specified in the text of the contract has always been accompanied by theoretical and practical challenges. This type of agreement, known in jurisprudential literature as "collusive condition" or "constructive condition", has raised important questions about validity and bindingness. The present study, using a descriptive-analytical method and relying on library resources, seeks to answer the question of what are the bases for the validity of constructive conditions in Imami jurisprudence and Iranian law and whether this legal institution can be extended to civil partnership contracts or not? The findings of the research show that the famous Imami jurists consider the construction condition to be devoid of religious validity, but another group of jurists, citing the generalities of "Ufwa' bal'aqud" and the behavior of the wise, consider it valid. In Iranian statutory law, Articles 1128, 1113, 410, 411, 412, 413, 414 and 415 of the Civil Code have clearly recognized the validity of this type of condition. Using the method of analogy and unity of criteria, the scope of the construction condition goes beyond marriage and specific contracts and also includes civil partnership contracts. The results of the research show that the construction condition can be applied to all necessary and permissible contracts and its violation, as the case may be, will result in the right to terminate (in case of violation of the description) or the obligation to perform (in case of a verb condition).

Keywords: Foundational Condition, Civil Partnership Contract, Imamiyya Jurisprudence, Iranian Law, Unity of the Criterion.

چکیده

در حقوق ایران و فقه امامیه، بحث از شروطی که پیش از انعقاد قرارداد میان طرفین توافق می‌شوند اما در متن عقد تصریح نمی‌گردند، همواره با چالش نظری و عملی همراه بوده است. این نوع توافق که در ادبیات فقهی تحت عنوان «شرط تانی» یا «شرط بنایی» شناخته می‌شود، پرسش‌های مهمی را درباره اعتبار و الزام‌آوری برانگیخته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که مبانی اعتبار شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران کدامند و آیا این نهاد حقوقی قابلیت تسری به قراردادهای مشارکت مدنی را دارد یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مشهور فقیهان امامیه، شرط بنایی را فاقد اعتبار شرعی می‌دانند، اما گروهی دیگر از فقها با استناد به عمومات «اوفوا بالعقود» و سیره عقلاء، آن را معتبر می‌شمرند. در حقوق موضوعه ایران ماده‌های ۱۱۲۸، ۱۱۱۳، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳ و ۴۱۵ قانون مدنی به وضوح اعتبار این نوع شرط را به رسمیت شناخته‌اند. با استفاده از روش قیاس و وحدت ملاک، قلمرو شرط بنایی فراتر از نکاح و عقود معین بوده و قراردادهای مشارکت مدنی را نیز دربرمی‌گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که شرط بنایی قابلیت اعمال در کلیه عقود لازم و جایز را دارد و نقض آن، حسب مورد موجب حق فسخ (در صورت تخلف از وصف) یا الزام به اجرا (در صورت شرط فعل) خواهد بود.

واژگان کلیدی: شرط بنایی، قرارداد مشارکت مدنی، فقه امامیه، حقوق ایران، وحدت ملاک.

Received: 2026/06/26 - Review: 2026/08/18 - Accepted: 2026/09/11

دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶ - بازبینی: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۹/۱۱

ارجاع:

حسینی، سیدعلیرضا؛ رستمی، محمدرضا؛ جعفری، طاهره؛ (۱۴۰۵)، ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در میان مباحثی که فقه امامیه و حقوق ایران همواره با دقت به آن پرداخته‌اند، «شرط» جایگاهی برجسته دارد. حقوق مدنی ایران نیز که به روشنی از فقه تأثیر پذیرفته، این اهمیت را بازتولید کرده است. اگر شرط را بر مبنای زمان مطرح شدنش در جریان انعقاد عقد دسته‌بندی کنیم، سه نوع به دست می‌آید: شروط پیش از عقد، شروط ضمن عقد و شروط الحاقی (شهیدی، ۱۴۰۳، ۳۴۳). آن چه در این پژوهش کانون توجه است، نوع نخست است؛ یعنی توافقاتی که پیش از انعقاد رسمی قرارداد بین طرفین صورت می‌گیرد.

این دسته را معمولاً «شرط بنایی» یا «شرط تبانی» می‌نامند. مقصود تعهداتی است که در لابه‌لای مذاکرات پیشاقراردادی هرچند در متن نهایی عقد تصریح نشده باشند اساس تفاهم طرفین را شکل می‌دهند (صابریان، ۱۳۸۸، ۵). ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی کمابیش به همین نکته اشاره دارد: اگر صفتی در یکی از طرفین شرط شده باشد و پس از عقد مشخص شود که آن صفت وجود ندارد، طرف مقابل می‌تواند عقد را فسخ کند؛ چه آن شرط در عقد تصریح شده باشد، چه عقد بر مبنای همان تبانی صورت گرفته باشد.

اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که در عمل، بازیگران عرصه تجارت گاه ساعت‌ها و

روزها بر سر شروط گوناگون بحث می‌کنند، اما هنگام تنظیم سند رسمی از سر عجله، بی‌توجهی یا صرفه‌جویی بخش مهمی از آن توافقات را درج نمی‌کنند. نتیجه چیزی نیست جز انبوهی از دعاوی بعدی. پرسش کلیدی این است: آیا این توافقات پیشینی که در متن عقد نیامده، ارزش استنادی دارند؟ و اگر یکی از طرفین تخلف کند، طرف زیان‌دیده به چه ضمانت‌اجرایی می‌تواند پناه ببرد؟ این پرسش در قراردادهای پیچیده‌ای مثل مشارکت مدنی که در نظام بانکی ایران نقش کلیدی بازی می‌کند دوچندان جدی می‌شود. در چنین معاملاتی، شرکاء گاه ماه‌ها درباره سرمایه، تقسیم سودوزیان و نحوه مدیریت مذاکره می‌کنند، اما سند نهایی اغلب کلی، ناقص و عجولانه تنظیم می‌شود. درست در همین نقطه است که نظریه شرط بنایی می‌تواند خلأ را پر کند.

۱- مفهوم و ماهیت شرط بنایی

پیش از هر چیز باید دید اصلاً از شرط بنایی چه تصویری داریم و چه مرزی آن را از شرط ضمنی جدا می‌کند؟ این بخش را با یک تعریف شروع می‌کنیم و بعد سراغ تمایزها می‌رویم.

۱-۱- مفهوم شرط بنایی

«شرط» در لغت یعنی چیزی را الزام کردن یا به چیزی متعهد شدن. اما در زبان حقوقی، معمولاً آن را این طور تعریف می‌کنند: الزام و التزامی که در متن عقدی مثل بیع گنجانده می‌شود (نجفی خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۰۷). حالا شرط بنایی که گاهی به آن شرط تبانی هم می‌گویند شکل خاصی از شرط است. مشخصه‌اش این است که پیش از عقد و در میانه مذاکرات اولیه بین طرفین توافق می‌شود، بعد عقد بر همان اساس بسته می‌شود، با این تفاوت که لزوماً در متن عقد چیزی از آن شرط نوشته نمی‌شود (صابریان، ۱۳۸۸، ص ۵-۶).

برای روشن شدن مفهوم، شاید بهتر باشد شرط بنایی را کنار سه نهاد مشابه بگذاریم و ببینیم چه فرقی می‌کند: نخست، شرط ضمن عقد؛ همان که صراحتاً در قرارداد قید می‌شود و زیر چتر قاعده معروف «المؤمنون عند شروطهم» می‌رود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴). دوم، شرط ابتدایی؛ تعهدی

است یک طرفه و بدون این که به عقد خاصی وصل باشد (انصاری، ۱۳۸۵، ج ۶، ۱۶۷). سوم، شرط تبانی به معنای عام؛ که شامل توافقات عرفی و بنای عقلا می شود، حتی اگر قبلاً درباره شان حرفی زده نشده باشد (طباطبائی یزدی، ۱۳۷۸، ۱۱۸). شرط بنایی درست جایی در میانه این ها قرار می گیرد: نه مثل شرط ضمنی صریحاً نوشته می شود، نه مثل شرط ابتدایی بی ارتباط با عقد است و نه مثل شرط تبانی عام صرفاً مبتنی بر عرف است.

۱-۲- تفاوت شرط بنایی با شرط ضمنی

یک نکته را نباید از دست داد: شرط ضمنی در حقوق ایران اصلاً نیازی به تصریح ندارد. همین که از لوازم عرفی عقد باشد، خود به خود جزئی از قرارداد محسوب می شود. اما شرط بنایی داستانش فرق می کند. در شرط بنایی، توافق پیش از عقد به روشنی بین طرفین مطرح شده بحث شده، به توافق رسیده اند فقط در متن نمی آید. به عبارت دیگر، شرط بنایی یک توافق گفت و گو شده ولی نانوشته است (شکاری، ۱۳۷۷، ۲۲۰). برعکس، شرط ضمنی گاهی حتی به ذهن طرفین هم خطور نکرده، اما قانون یا عرف آن را به عقد تحمیل می کنند. اما یک تفاوت کلیدی دیگر؛ برای اجرای شرط ضمنی نیازی نیست ثابت کنید طرفین واقعاً به آن فکر می کرده اند؛ همین که عرف بگوید «این شرط جزو ذات این عقد است»، کافی است. ولی برای شرط بنایی باید قصد واقعی طرفین را احراز کرد و تبانی پیشین را اثبات نمود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷). شاید بشود این طور خلاصه کرد که شرط ضمنی یک «حکم قانونی ناگفته» است، اما شرط بنایی یک «توافق گفته شده ولی نانوشته».

۲- مبانی اعتبار شرط بنایی در فقه امامیه

در میان فقهای امامیه، هرچه از قدما به متأخرین نزدیک تر می شویم، اختلاف نظر درباره اعتبار شرط بنایی بیشتر به چشم می خورد. ریشه این اختلاف عمدتاً به تفکیک میان دو مفهوم برمی گردد: یکی

«شرط بنایی»^۱ و دیگری «شرط ابتدایی»^۲. این دو را بعضی فقها یکی گرفته‌اند و بعضی دیگر فرق گذاشته‌اند.

۲-۱- دیدگاه مشهور (عدم اعتبار شرط بنایی)

اگر به کتب فقهی نگاه کنیم، می‌بینیم اکثر فقهای امامیه شرط بنایی را معتبر نمی‌دانند. از نظر ایشان، تخلف از این شرط حتی برای طرف مقابل ایجاد نمی‌کند. استدلال اصلی‌شان این است که هر شرطی برای الزام‌آور شدن باید درون عقد جای بگیرد و جزئی از آن شود؛ یعنی تعهد باید با عقد اصلی چنان گره بخورد که قابل جدا کردن نباشد. به باور این گروه، ادله وجوب وفا به شروط و عقود، فقط شامل آن دسته از شروطی می‌شود که در متن عقد حضور دارند. اما شرطی که بیرون از عقد نشسته باشد هرچند طرفین ساعت‌ها درباره‌اش حرف زده باشند اعتباری ندارد (نجفی خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۰۷). میرزای نائینی در این زمینه دسته‌بندی جالبی دارد. او شروطی که عقد بر پایه آن‌ها واقع می‌شود را به سه گروه تقسیم کرده: نخست: شرطی که عقد به دلالت التزامی بر آن دلالت دارد.^۳ دوم: شرطی که صحت عقد بدون آن ممکن نیست؛ مثل شرطی که ناظر به صفت مهم مورد عقد است. سوم: شرطی که موضوعش بیرون از عقد و مربوط به اهداف شخصی و خصوصی طرفین است. نائینی می‌گوید اگر این دسته آخر در متن عقد تصریح نشود، اصلاً اعتباری ندارد و «کان لم یکن» خواهد بود. تخلف از آن هم هیچ خیار در پی ندارد (نجفی خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۰۷).

خلاصه حرف مشهور این است؛ هیچ دلیلی بر لزوم وفای به شرط پیش از عقد نداریم. حتی معلوم نیست بشود به چیزی که در عقد ذکر نشده، عنوان «شرط» اطلاق کرد. چون تبادل عرفی از شرط همان التزامی است که به چیز دیگری پیوند خورده باشد (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۴۶۲).

۱- همان توافق پیش از عقد که در پیمان نیامده

۲- یعنی تعهد یک طرفه و بدون عقد

۳- همان شرط ضمنی

۲-۲- دیدگاه مخالف (اعتبار شرط بنایی)

در سوی دیگر، جمعی از فقها حرف دیگری می‌زنند. به باور ایشان، شرط تبانی معتبر است و تخلف از آن خیار فسخ به همراه می‌آورد. مهم‌ترین دلایل شان را می‌شود در چند نکته خلاصه کرد: وضعیت یکسان: شرط تبانی و شرطی که در عقد ذکر می‌شود^۴ عملاً تفاوتی با هم ندارند. تنقید عقد: وجود تبانی پیشین باعث می‌شود عقد به همان شرط مقید گردد. هر عقد مقیدی هم به قیدش وفا می‌طلبد. نظر طرفین: وقتی طرفین تراضی می‌کنند، تراضی شان ناظر بر عقدی است که بر پایه همان شرط سابق استوار شده است (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ۳۶۶).

حضرت امام خمینی (ره) در این باره صریحاً بیان می‌کنند؛ در مورد شرط بنایی در عقد نکاح «ظاهر این است که چنان چه هنگام خواستگاری و گفت‌وگوی ابتدایی، زوجه را به اوصافی از اوصاف کمال توصیف کنند و سپس عقد را مبنی بر آن منعقد سازند، به منزله اشتراط است و موجب خیار فسخ است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ۵۳۰). برخی از پژوهشگران معاصر هم بر این باورند که از واکاوی مسئله چنین برمی‌آید که مفاد بنایی اعتبار دارد. توضیح این که در این فرض، طرفین پیش از ایجاب و قبول بر این توافق کرده‌اند که امری وارد محتوای عقد بشود یا به عقد پیوند بخورد. بعد هم ایجاب و قبول را با در نظر گرفتن همان محتوا انجام می‌دهند. پس چه نیازی است که همه جزئیات و خصوصیات عقد موقع ایجاب و قبول تکرار شود؟ صرف آگاهی طرفین کافی است (شهیدی، ۱۴۰۳، ۳۴۳).

۲-۳- جمع‌بندی دیدگاه‌ها

اگر برگردیم به عموماًت فقهی مثل «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»، به نظر می‌رسد بشود اعتبار شرط بنایی را از آن‌ها بیرون کشید. ممکن است کسی بگوید معنای «شرط» در این روایات، امری است که به چیز دیگری وابسته باشد. اما این حرف دلالت بر بی‌اعتباری شرط بنایی نمی‌کند.

چون در شرط تبانی هم هرچند موقع ایجاب و قبول بیان نشود در اراده طرفین، همان وابستگی و اتصال به عقد وجود دارد. برای این منظور، حتماً نباید لفظی به کار برد یا چیزی نوشت (شهیدی، ۱۴۰۳، ۳۴۳). بعضی از فقها برای بی اعتباری شرط بنایی به اجماع منقول تمسک کرده اند. اما این اجماع دو اشکال دارد: اولاً وجود نظریه های مخالف، تحقق اجماع را منتفی می کند. ثانیاً خود اجماع منقول هم از نظر حجیت جای بحث دارد (شکاری، ۱۳۷۷، ۲۲۱). به نظر می رسد نتوان صرفاً با استناد به این اجماع، شرط بنایی را کنار گذاشت.

۳- جایگاه شرط بنایی در حقوق ایران

در این بخش می خواهیم ببینیم شرط بنایی در حقوق موضوعه ایران روی چه مبانی قانونی ایستاده؟ دامنه شمولش تا کجا است؟ اگر کسی از آن تخلف کند چه ضمانت اجرایی دارد؟ رویه قضایی چه برخوردی با آن داشته؟ و در نهایت جمع بندی کنیم که جایگاه این نهاد در نظام حقوقی ما کجا است؟

۳-۱- مبانی قانونی شرط بنایی

شرط بنایی یا تبانی در حقوق موضوعه ایران جایگاهی روشن و مستحکم دارد. قانون گذار در مواد متعددی از قانون مدنی، به صراحت یا با استناد به اصول کلی، اعتبار این نوع شرط را به رسمیت شناخته است.

۱-۳-۱- ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی

ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی می گوید: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده باشد یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد».

این ماده از چند جهت حائز اهمیت است؛ نخست: قانون گذار عبارت «خواه وصف مزبور در عقد تصریح شده باشد یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد» را به کار برده است. این عبارت نشان می دهد که

از منظر قانون‌گذار، شرط بنایی^۵ از حیث اعتبار و آثار، کاملاً همطراز شرط مصرح در عقد است. به عبارت دیگر، تصریح یا عدم تصریح در متن عقد، تأثیری در اعتبار شرط و حق فسخ ناشی از تخلف از آن ندارد (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷). دوم، ماده ۱۱۲۸ در باب عقد نکاح^۶ وضع شده است. این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار حتی در مهم‌ترین و حساس‌ترین عقود نیز برای شرط بنایی ارزش قائل است. از باب اولویت، اگر شرط بنایی در نکاح که با خطرترین آثار همراه است معتبر شناخته شود، به طریق اولی در عقود مالی و تجاری نیز معتبر خواهد بود (امامی، ۱۴۰۳، ج ۴، ۲۶۹). سوم، فلسفه این ماده حمایت از قصد و رضای باطنی طرفین است. خیلی وقت‌ها دو طرف پیش از جاری شدن صیغه نکاح، درباره صفات هم حرف می‌زنند و عقد را بر همان اساس می‌بندند. قانون‌گذار با پذیرش شرط بنایی خواسته جلوی سوءاستفاده و فریب را بگیرد (صفایی و امامی، ۱۴۰۱، ۳۵۰).

۲-۳-۱- ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی

طبق این ماده «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد مگر این که شرط شده یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد». عبارت «عقد مبنی بر آن جاری شده باشد» یعنی طرفین پیش از عقد درباره پرداخت نفقه به توافق رسیده‌اند ولی در متن عقد تصریح نکرده‌اند. قانون‌گذار این توافق پیشینی را معادل شرط صریح حساب کرده و برای زن حق نفقه درست کرده است. جالب این که در این ماده حتی لفظ «شرط» هم نیامده؛ به جای آن «مبنی بر آن جاری شده باشد» آمده که اشاره دارد به همان مفهوم تبانی و بنای مشترک (شهیدی، ۱۴۰۳، ۳۴۳).

۳-۳-۱- ماده‌های ۴۱۰ الی ۴۱۵ قانون مدنی

ماده‌های ۴۱۰ الی ۴۱۵ قانون مدنی که به ترتیب به خیار رویت و تخلف از وصف اختصاص یافته‌اند، چهره‌ای دیگر از شروط بنایی را به نمایش می‌گذارند. این ماده‌ها در باب بیع، به خریداری که کالایی

۵- تبانی

۶- عقدی که اهمیت ویژه‌ای در نظام حقوقی دارد

را بدون دیدن^۷ خریداری کرده باشد، حق فسخ می‌دهند در صورتی که کالای تحویلی با اوصافی که در ذهن داشته یا مورد گفت‌وگو بوده است، مطابقت نداشته باشد. این ماده‌ها هرچند لفظ «شرط بنایی» را به کار نبرده‌اند، ولی دقیقاً به وضعیتی اشاره دارند که اوصاف مبیع مورد گفت‌وگوی طرفین بوده^۸ ولی در متن عقد نیامده است (امامی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۸۶).

۴-۳-۱- ماده ۱۰ قانون مدنی

ماده ۱۰ قانون مدنی می‌گوید: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». اگر شرط بنایی را یک قرارداد مستقل فرض کنیم^۹، طبق این ماده معتبر و لازم‌الاجرا است. از نظر منطق حقوقی، شرط بنایی توافقی دوطرفه است با این موضوع «تعهد به رعایت صفت یا انجام فعل معین در عقد آتی». چنین توافقی یک قرارداد خصوصی است و تا وقتی مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰). برخی از حقوقدانان با استفاده از همین ماده سعی کرده‌اند شرط بنایی را فارغ از بحث‌های اختلافی فقهی، صرفاً بر مبنای اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی معتبر بدانند (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۴۶۲).

۵-۳-۱- ماده‌های ۲۳۷ الی ۲۳۹ قانون مدنی

این ماده‌ها به ضمانت اجرای شروط ضمن عقد می‌پردازند. ماده ۲۳۷ می‌گوید اگر شرط فعل باشد و متعهدعلیه بدون عذر موجه از انجامش خودداری کند، متعهدله می‌تواند از حاکم الزام او را بخواهد. حالا اگر شرط بنایی را معادل شرط مصرح بدانیم^{۱۰}، این ماده‌ها در مورد شرط بنایی هم قابل اعمال‌اند. یعنی اگر شرط بنایی از نوع فعل باشد، طرف مقابل می‌تواند از دادگاه الزام به اجرا را بخواهد؛ اگر از نوع وصف باشد و تخلف شود، حق فسخ دارد (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷).

۷- نسبه یا سلف

۸- تبانی

۹- نه لزوماً جزئی از عقد اصلی

۱۰- همان‌طور که ماده ۱۱۲۸ گفته است

۲-۳- محدودده شمول شرط بنایی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، اقوال و نظرات متفاوتی درخصوص قلمرو شرط بنایی وجود دارد. این نظرات را می‌توان در سه دسته کلی جای داد:

۲-۳-۱- رویکرد موسع (تسری به همه عقود)

بعضی از حقوقدانان می‌گویند شرط بنایی مختص عقود خاص^{۱۱} نیست. به حکم ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده، می‌تواند در همه عقود لازم و جایز استناد شود. استدلال شان این است که شرط بنایی یک «توافق» است و ماده ۱۰ قانون مدنی هر توافقی را که مخالف قانون نباشد معتبر می‌داند (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰). از دیدگاه ایشان، ماده ۱۱۲۸ یک قاعده تأسیسی نیست؛ بلکه تأکیدی بر یک اصل کلی‌تر است. اگر نکاح مشمول شرط بنایی باشد، عقود مالی به طریق اولی مشمول خواهند بود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴).

۲-۳-۲- رویکرد مضیق (اقتصار بر عقود مصرح در قانون)

گروه دیگری معتقدند شرط بنایی فقط در مواردی معتبر است که قانون صراحتاً پذیرفته باشد. قانون مدنی در ماده‌های ۱۱۲۸ و ۱۱۱۳^{۱۲} و ماده‌های ۴۱۰ الی ۴۱۵^{۱۳} قانون مدنی شرط بنایی را به رسمیت شناخته، پس تسری آن به سایر عقود نیاز به نص قانونی دارد (امامی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۲۰). این رویکرد محتاطانه ناظر به احترام به قواعد شکلی و لزوم احراز قصد واقعی طرفین فقط در همان عقود مصرح است (صفایی، ۱۴۰۴، ۲۱۲).

۲-۳-۳- رویکرد معتدل (وحدت ملاک و استدلال قیاسی)

نظر برگزیده در این پژوهش، رویکرد معتدل است. هرچند ماده‌های ۱۱۲۸، ۱۱۱۳، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲،

۱۱- مثل نکاح و بیع

۱۲- نکاح

۱۳- بیع

۴۱۳، ۴۱۴ و ۴۱۵ قانون مدنی به موارد خاصی اشاره دارند، اما ملاک حکم در این مواد «احترام به قصد و رضای باطنی طرفینی است که پیش از عقد بر امری تبانی کرده‌اند و عقد را بر مبنای آن منعقد ساخته‌اند» (شکاری، ۱۳۷۷، ۲۲۱). این ملاک مختص نکاح و بیع نیست؛ در هر عقدی که چنین تبانی صورت بگیرد جاری است؛ بنابراین، با وحدت ملاک از مواد یاد شده و با استناد به ماده ۱۰، می‌توان شرط بنایی را به همه عقود لازم و جایز تسری داد (صابریان، ۱۳۸۸، ۱۰).

۳-۳- ضمانت‌اجراهای شرط بنایی در حقوق ایران

با پذیرش اعتبار شرط بنایی، مهم‌ترین پرسش آن است که در صورت تخلف از این شرط، چه ضمانت‌اجراهایی برای طرف مقابل پیش‌بینی شده است؟ ضمانت‌اجراها بسته به نوع شرط^{۱۴} متفاوت است.

۳-۳-۱- تخلف از شرط وصف

طبق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، اگر شرط بنایی از نوع وصف باشد یعنی طرفین تبانی کرده‌اند که طرف دیگر صفت خاصی دارد و بعد از عقد معلوم شود آن صفت وجود ندارد، طرف مقابل حق فسخ دارد (امامی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۸۶). این قاعده در ماده‌های ۴۱۰ و ۴۱۱ قانون مدنی هم بازتاب یافته است. در قراردادهای مشارکت مدنی هم اگر یکی از شرکا فاقد صفت تخصصی یا توانایی خاصی باشد که پیش از عقد روی آن تبانی شده بود، شریک دیگر حق فسخ دارد (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴).

۳-۳-۲- تخلف از شرط فعل

اگر شرط بنایی از نوع فعل باشد طرفین بر انجام یا ترک کاری پیش از عقد تبانی کرده‌اند در صورت تخلف، طرف دیگر می‌تواند بر اساس ماده‌های ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی، الزام متخلف را از دادگاه بخواهد (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰). برای مثال، اگر در مذاکرات پیش از عقد مشارکت مدنی، شریک متعهد شده تجهیزات مشخصی را تا تاریخ معین تأمین کند و این تعهد در قالب شرط بنایی باشد، در صورت تخلف، شریک دیگر می‌تواند از دادگاه الزام او را بخواهد. اگر اجرا غیرممکن شده

۱۴- وصف یا فعل

باشد یا خواهان نخواهد الزام کند، می‌تواند بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی مطالبه خسارت کند (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۱۶۰).

۳-۳-۳ شرط نتیجه

برخی شروط بنایی از نوع نتیجه هستند؛ مثلاً طرفین تبانی کرده‌اند که پروژه در مدت معین به پایان برسد. اگر نتیجه حاصل نشود، آثارش بسته به نوع عقد متفاوت است. در برخی عقود ممکن است موجب بطلان یا حق فسخ شود، در برخی دیگر فقط خسارت قابل مطالبه است (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴).

۳-۴- رویه قضایی ایران در مورد شرط بنایی

رویه قضایی ایران هرچند صراحتاً و مستقل از لفظ «شرط بنایی» زیاد استفاده نکرده، اما در موارد متعددی با تکیه بر مفهوم «تبانی» و «توافق مقدماتی» به این نهاد توجه نشان داده است. در بعضی از آراء دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عالی کشور، به ویژه در دعاوی بیع و نکاح، به «تفاهم پیشین» طرفین استناد شده و دادنامه بر آن مبنا صادر گردیده است. برای نمونه، مواردی بوده که خریدار ادعا کرده فروشنده در مذاکرات مقدماتی اوصافی برای کالا ذکر کرده که در سند عقد نیامده و دادگاه‌ها با احراز تبانی، به سود خریدار رأی به فسخ بر اساس ماده ۴۱۱ قانون مدنی داده‌اند (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۸).

در نکاح هم، هرچند ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی به ندرت مستقیم در آراء دادگاه‌ها استناد می‌شود، اما در مواردی که یکی از زوجین ادعای فریب در صفات کرده، دادگاه‌ها به مذاکرات پیش از ازدواج و قرائن تبانی توجه نشان داده‌اند (طالب احمدی، ۱۳۹۷، ۳۷۱). این رویه‌ها هرچند منسجم و یکدست نیست، نشان می‌دهند مفهوم شرط بنایی به تدریج در نظام قضایی ایران جای خود را باز می‌کند. ولی نبود رأی وحدت رویه در این زمینه، یکی از چالش‌های اصلی است (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۴۶۵).

۳-۵- جایگاه شرط بنایی در حقوق ایران

با کنار هم نهادن ماده‌های قانونی، نظرات دکترین و رویه قضایی، می‌توان گفت شرط بنایی در حقوق ایران از جایگاه مستحکم و رو به گسترشی برخوردار است؛ با استناد به مواد اشاره شده و با استفاده از

روش وحدت ملاک، شرط بنایی قابل تسری به کلیه عقود لازم و جایز از جمله قراردادهای مشارکت مدنی است. ضمانت اجرای آن نیز بسته به نوع شرط^{۱۵} حق فسخ یا الزام به اجرا خواهد بود. باین حال، کاستی‌ها و خلأهایی نیز وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نبود رأی وحدت رویه در این زمینه، عدم تصریح قانونی به تسری شرط بنایی به عقود مالی به غیر از بیع و فقدان معیارهای روشن برای اثبات تبانی در دادگاه اشاره کرد (صابریان، ۱۳۸۸، ۱۰).

۴- قلمرو شرط بنایی در قراردادهای مشارکت مدنی

در این جا ابعاد مختلف قلمرو شرط بنایی در قراردادهای مشارکت مدنی مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۴-۱- مفهوم و ماهیت قرارداد مشارکت مدنی

مشارکت مدنی در نظام حقوقی ایران، قراردادی است که به موجب آن چند شخص حقیقی یا حقوقی سرمایه خود چه نقدی و چه جنسی را برای کسب سود از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی یا تجاری، در کنار یکدیگر قرار می‌دهند (قنوتی و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۰۱). این قرارداد ریشه در فقه اسلامی و به ویژه عقد شرکت دارد. تفاوت آن با عقود مبادله‌ای نظیر مزابحه در این است که در مشارکت مدنی، سودوزیان به نسبت سرمایه شرکاء تقسیم می‌شود و هیچ‌یک از سود ثابت بهره‌مند نیست (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷)؛ ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ نیز تشکیل «شرکت قراردادی مشترک» را بر مبنای همین مفهوم مجاز شمرده است. طبق این ماده، اشخاص داخلی و خارجی می‌توانند در قالب شرکت قراردادی مشترک^{۱۶} به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری بپردازند.

یکی از ویژگی‌های مهم مشارکت مدنی، «اشاعه» است؛ یعنی شرکاء بر دارایی‌های شرکتی مالکیت مشاعی دارند، نه صرفاً یک طلب (امامی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۲۰). در نظام بانکی ایران، مشارکت

۱۵- وصف یا فعل

۱۶- که همان مشارکت مدنی است

مدنی بیشتر در قالب «عقود مشارکتی» در بخش‌های تولیدی، ساختمانی و تجاری به کار می‌رود. بانک به عنوان یکی از شرکاء، سرمایه را در اختیار کارآفرین^{۱۷} قرار می‌دهد و پس از پایان پروژه، اصل سرمایه و سود به نسبت توافق شده تقسیم می‌شود.

۴-۲- اهمیت شرط بنایی در قراردادهای مشارکت مدنی

قراردادهای مشارکت مدنی به دلیل ماهیت بلندمدت، پیچیدگی فنی و اقتصادی و نیاز به همکاری مستمر، بستر مناسبی برای شکل‌گیری شروط بنایی هستند. اهمیت این شروط در سه سطح قابل بررسی است.

۴-۲-۱- سطح اول: مذاکرات طولانی و هزینه‌بر

انعقاد این قراردادها ماه‌ها مذاکره می‌طلبد. طرفین بارها به توافق می‌رسند، اما هنگام تنظیم سند نهایی، بخشی از توافقات را درج نمی‌کنند (خبیری و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۸). شرط بنایی در این جا از تضییع حقوق جلوگیری می‌کند؛ شخص می‌تواند حتی بدون درج در متن عقد، به توافق استناد کرده و خواهان فسخ یا الزام شود (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰).

۴-۲-۲- سطح دوم: انعقاد بر اساس اعتماد و حسن نیت

قراردادهای مشارکت مدنی بر اعتماد متقابل استوارند. شرط بنایی این اعتماد را از یک ارزش اخلاقی به یک حق قانونی تبدیل می‌کند (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۷). برای مثال، اگر شریکی تعهد به حفظ محرمانگی کرده باشد ولی در متن سند نیامده باشد، به عنوان شرط بنایی قابل استناد است (طالب احمدی، ۱۳۹۷، ۳۷۱).

۴-۲-۳- سطح سوم: کاهش هزینه‌های مبادله و دعاوی

پذیرش شرط بنایی هزینه مبادله را کاهش می‌دهد؛ طرفین نیازی به درج تمام جزئیات در سند نهایی ندارند (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۴۶۲). همچنین از دعاوی متعدد جلوگیری می‌کند، زیرا اثبات توافقات

پیشین از طرق دیگر دشوارتر است (قنواتی و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۰۱).

۳-۴- استدلالات قیاسی و وحدت ملاک برای تسری شرط بنایی به مشارکت مدنی

قانون مدنی در ماده‌های ۱۱۲۸، ۱۱۱۳ و ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴ و ۴۱۵، اعتبار شرط بنایی را در نکاح و بیع به رسمیت شناخته است. این حکم با استدلال قیاسی و وحدت ملاک به مشارکت مدنی قابل تسری است.

۳-۴-۱- قیاس اولویت: از نکاح به مشارکت مدنی

در عقد نکاح که مهم‌ترین و حساس‌ترین عقد در نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود قانون‌گذار اعتبار شرط متبانی را پذیرفته است.^{۱۸} فلسفه این پذیرش، حمایت از قصد و رضای باطنی طرفین و جلوگیری از فریب و سوءاستفاده است (امامی، ۱۴۰۳، ج ۴، ۲۶۹). حال آن که مشارکت مدنی یک عقد مالی و تجاری است؛ بنابراین، اگر قانون‌گذار در مهم‌ترین عقد^{۱۹} که آثاری حیثیتی و معنوی سنگین دارد، شرط بنایی را پذیرفته است، در عقود مالی که جنبه اقتصادی و مادی دارند، پذیرش آن آسان‌تر و ضروری‌تر به نظر می‌رسد (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴). مبنای این قیاس، قاعده «الاولی» و «تنقیح مناط» است؛ زیرا ملاک حکم یعنی احترام به تبانی و قصد مشترک در هر دو مورد^{۲۰} یکسان وجود دارد و تفاوت موضوعی مانع از تسری حکم نمی‌گردد (صابریان، ۱۳۸۸، ۱۰).

۳-۴-۲- قیاس تساوی: از بیع به مشارکت مدنی

در عقد بیع، قانون‌گذار در ماده‌های ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴ و ۴۱۵ قانون مدنی، شرط بنایی را در قالب خیار رویت و تخلف از وصف به رسمیت شناخته است (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴). بدین معنا که اگر شخصی کالایی را بدون دیدن بخرد یا بر اساس اوصافی که در مذاکرات مقدماتی بیان شده

۱۸- ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی

۱۹- نکاح

۲۰- نکاح و مشارکت مدنی

است معامله کند و کالای تحویلی با آن اوصاف منطبق نباشد، حق فسخ دارد حتی اگر آن اوصاف در متن عقد ذکر نشده باشد. مشارکت مدنی شباهت ذاتی با بیع دارد؛ چرا که هر دو عقدی مالی، تملیکی و دارای اوصاف مورد توافق هستند. در مشارکت مدنی نیز شرکاء بر روی صفاتی نظیر میزان سرمایه هریک، نحوه مدیریت، تقسیم سودوزیان، مدت مشارکت و غیره توافق می‌کنند؛ بنابراین، اگر پس از عقد معلوم شود یکی از شرکاء آن صفات را ندارد^{۲۱} یا از انجام تعهدات خود امتناع می‌ورزد، با وحدت ملاک از ماده‌های ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴ و ۴۱۵ قانون مدنی، شریک دیگر دارای حق فسخ خواهد بود (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰).

۳-۴-۳- قیاس بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی

ماده ۱۰ قانون مدنی، هر قرارداد خصوصی را که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ و معتبر می‌داند (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴). می‌توان شرط بنایی را نوعی قرارداد مستقل در نظر گرفت: طرفین پیش از عقد اصلی، بر روی شرطی به توافق می‌رسند و عقد اصلی را با در نظر گرفتن آن شرط منعقد می‌کنند. این توافق پیشین، خود مصداق یک «قرارداد خصوصی» است. پس به حکم ماده ۱۰ قانون مدنی، این قرارداد^{۲۲} معتبر و نافذ خواهد بود، مگر این که با نص صریح قانون تعارض داشته باشد. در قانون مدنی هیچ نص صریحی وجود ندارد که شرط بنایی را در عقود مالی منع کند؛ بنابراین، شرط بنایی در قرارداد مشارکت مدنی ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی معتبر است (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۴۶۲).

۳-۴-۴- قیاس بر اساس قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم»

قاعده «المؤمنون عند شروطهم»^{۲۳} یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در همه عقود و معاملات جاری می‌باشد (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ۴۸۹). پرسش این است که آیا شرط بنایی مشمول این قاعده

۲۱- برای مثال سرمایه وعده داده شده را تأمین نکرده یا تخصص لازم را ندارد

۲۲- شرط بنایی

۲۳- مؤمنان به شرط‌های خود پایبندند

می‌شود؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت است؛ زیرا هرچند شرط بنایی در متن عقد تصریح نشده است، اما از آن جا که عقد بر مبنای آن استوار گردیده است^{۲۴}، عنوان «شرط» بر آن صادق بوده و ادله قاعده نیز از این جهت مطلق هستند و مختص شرط مصرح نمی‌باشند (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۳، ۳۱۶)؛ بنابراین، قراردادهای مشارکت مدنی از شمول این قاعده خارج نیستند.

۵-۴-۳- قیاس بر اساس قاعده «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»

آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^{۲۵} از محکم‌ترین ادله قرآنی بر لزوم وفای به عقود است. واژه «عقود» در این آیه به معنای عام خود^{۲۶} به کار رفته است و اختصاصی به عقود مصرح در قانون ندارد (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۴۶۲). شرط بنایی خود یک «عقد»^{۲۷} مستقل محسوب می‌شود؛ چه آن را عقد فرعی بر عقد اصلی بدانیم و چه جزئی از خود عقد اصلی. در هر صورت، شمول آیه بر شرط بنایی قابل انکار نیست؛ بنابراین، قرارداد مشارکت مدنی که حاوی شروط بنایی است، مشمول این قاعده بوده و وفا به آن واجب می‌باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۱، ۲۵۰).

۴-۴-۴- مصادیق عینی شرط بنایی در قراردادهای مشارکت مدنی

برای روشن‌تر شدن مفهوم شرط بنایی در مشارکت مدنی، به ذکر چند مثال عملی می‌پردازیم. هریک از این مصادیق نشان می‌دهند که شرط بنایی در چه مواقعی می‌تواند نقش کلیدی ایفاء کند.

۱-۴-۴- شرط تخصص و صلاحیت فنی

در بسیاری از قراردادهای مشارکت مدنی به ویژه در پروژه‌های ساختمانی، صنعتی و فناوری اطلاعات یکی از شرکاء به دلیل تخصص و صلاحیت فنی خود وارد مشارکت می‌شود. در مذاکرات مقدماتی،

۲۴- عقد متبایناً

۲۵- به پیمان‌ها وفا کنید

۲۶- همه پیمان‌ها و توافقات

۲۷- پیمان

طرفین درباره میزان تخصص، سوابق کاری، گواهینامه‌ها و توانمندی‌های فنی شریک گفت‌وگو می‌کنند و عقد را بر مبنای آن اوصاف منعقد می‌نمایند. اگر پس از عقد معلوم شود که آن شریک تخصص مورد ادعا را ندارد^{۲۸}، در این جا شرط بنایی^{۲۹} مصداق می‌یابد. به استناد ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی^{۳۰}، شریک دیگر حق فسخ مشارکت را خواهد داشت (امامی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۸۶).

۲-۴-۴- شرط تأمین سرمایه و تجهیزات

در قراردادهای مشارکت مدنی، معمولاً هر شریک متعهد می‌شود مقدار مشخصی سرمایه نقدی یا غیرنقدی^{۳۱} آورده شود. گاهی این تعهد در مذاکرات مقدماتی به‌طور کامل مورد بحث قرار می‌گیرد، اما در سند نهایی صرفاً به‌صورت کلی و بدون ذکر جزئیات درج می‌گردد. اگر یکی از شرکاء از آوردن سرمایه یا تجهیزات وعده داده شده شانه خالی کند، شریک دیگر می‌تواند با استناد به شرط بنایی^{۳۲}، از دادگاه الزام وی را به تأمین آن بخواهد.^{۳۳} همچنین، اگر الزام ممکن نباشد، می‌تواند جبران خسارت وارد شده را مطالبه نماید (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷).

۳-۴-۴- شرط نحوه مدیریت و تصمیم‌گیری

یکی از حساس‌ترین بخش‌های هر قرارداد مشارکت مدنی، نحوه مدیریت و تصمیم‌گیری است. در مذاکرات مقدماتی، طرفین درباره این که چه تصمیماتی با رأی اکثریت، چه تصمیماتی با رأی همه شرکاء و چه تصمیماتی با رأی مدیرعامل اتخاذ شود؟ به تفاهم می‌رسند. اگر در سند نهایی این تفاهمات به‌طور کامل منعکس نشود و یکی از شرکاء برخلاف توافق، اقدام به تصمیم‌گیری یک‌طرفه

۲۸- برای مثال، مدرک تقلبی ارائه داده یا تجربه ادعایی را نداشته است

۲۹- در قالب شرط وصف

۳۰- با وحدت ملاک

۳۱- تجهیزات، مواد اولیه، ملک و غیره

۳۲- از نوع شرط فعل

۳۳- ماده‌های ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی

نماید، شرط بنایی می‌تواند مستند عمل قرار گیرد. در این صورت، دادگاه با احراز تبانی و قصد مشترک طرفین، تصمیم خلاف شرط را باطل و شریک متخلف را ملزم به رعایت توافقات پیشین می‌کند (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰).

۴-۴-۴- شرط محرمانگی اطلاعات

پیش از انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، طرفین اغلب اطلاعات محرمانه تجاری، فنی و مالی خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. در بسیاری از موارد، توافق محرمانگی به صورت جداگانه تنظیم می‌شود یا در سند نهایی مشارکت درج می‌گردد. اما گاهی این توافق صرفاً در مذاکرات مطرح می‌شود و بعداً به فراموشی سپرده می‌شود. در چنین وضعیتی، اگر یکی از شرکاء اطلاعات محرمانه طرف دیگر را فاش سازد یا برای مقاصد شخصی خود به کار گیرد، شرط بنایی می‌تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد. قاعده فقهی «حرمت افشاء سر مسلم» و ماده ۳۰۷ قانون مدنی^{۳۴} نیز مؤید این مسئولیت است (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۱۱۷).

۴-۴-۵- شرط مدت مشارکت و نحوه انحلال

مدت مشارکت و نحوه انحلال قرارداد از جمله شروط اساسی هر مشارکت مدنی است. در مذاکرات مقدماتی، طرفین درباره مدت، شرایط تمدید، نحوه خروج شرکاء و انحلال زودهنگام گفت‌وگو می‌کنند. اگر در سند نهایی، شرطی نظیر «حق خروج یک‌طرفه برای هر شریک پس از سه ماه» درج نشده باشد، اما ثابت شود که طرفین در مذاکرات بر روی آن تبانی کرده‌اند، آیا چنین حقی وجود دارد؟ به استناد شرط بنایی، پاسخ مثبت است. شریک می‌تواند به توافقات پیشین استناد کرده و خروج خود را حقوقی و غیرتخلفی تلقی نماید (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴).

۴-۴-۶- شرط اولویت در معاملات آتی

گاهی شرکاء در مذاکرات مقدماتی توافق می‌کنند که اگر روزی یکی از آن‌ها بخواهد سهم خود را

۳۴- که غاصب را ضامن منافع از دست‌رفته می‌داند

بفروشد، شریک دیگر دارای حق تقدم باشد. اگر این توافق در سند نهایی درج نشود، آیا قابل استناد است؟ با پذیرش شرط بنایی، چنین حقی برای شریک ایجاد می‌شود؛ بنابراین، اگر شریکی سهم خود را بدون رعایت حق تقدم به شخص ثالثی بفروشد، شریک دیگر می‌تواند با استناد به شرط بنایی، معامله را به چالش کشیده و الزام به رعایت حق تقدم را درخواست نماید (صابریان، ۱۳۸۸، ۱۰).

۴-۵- ضمانت اجرای شرط بنایی در قراردادهای مشارکت مدنی

با فرض پذیرش اعتبار شرط بنایی در مشارکت مدنی، این پرسش مطرح می‌شود که در صورت تخلف از شرط، چه ضمانت‌اجراهایی برای شریک زیان‌دیده وجود دارد؟

۱-۴-۵- حق فسخ (در صورت تخلف از شرط وصف)

طبق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی^{۳۵}، اگر شرط بنایی از نوع وصف^{۳۶} باشد و پس از عقد معلوم شود که شریک آن وصف را ندارد، شریک دیگر دارای حق فسخ خواهد بود (امامی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۸۶). فسخ به معنای انحلال عقد و رهایی از التزامات آن است. آثار فسخ از زمان اعلام^{۳۷} برقرار می‌شود؛ بنابراین، معاملات و اقداماتی که تا پیش از اعلام فسخ انجام شده‌اند، صحیح و معتبر خواهند بود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷). برای مثال، شرکاء تبانی کرده‌اند که شریک «الف» مهندس معمار است. پس از شش ماه همکاری معلوم می‌شود که وی چنین مدرکی ندارد. در این صورت، شریک «ب» می‌تواند مشارکت را فسخ کند؛ اما همکاری انجام شده در این شش ماه^{۳۸} به قوت خود باقی است.

۲-۴-۵- الزام به اجرا (در صورت تخلف از شرط فعل)

اگر شرط بنایی از نوع فعل باشد^{۳۹} شریک دیگر می‌تواند بر اساس ماده‌های ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون

۳۵- با وحدت ملاک به مشارکت مدنی

۳۶- صفت

۳۷- نه از زمان وقوع عقد

۳۸- مانند تقسیم سود و اجرای بخشی از پروژه

۳۹- یعنی شریک متعهد به انجام کاری شده باشد

مدنی، از دادگاه الزام متخلف را به اجرای مستقیم شرط درخواست نماید (شهیدی، ۱۴۰۳، ۱۶۰). اگر اجرای مستقیم ممکن نباشد^{۴۰} یا شریک خواهان الزام نباشد، می‌تواند جبران خسارت وارد شده را بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی^{۴۱} مطالبه کند (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۱۲۰). برای نمونه، شریکی تعهد کرده بوده تجهیزات پروژه را تأمین نماید و از انجام آن خودداری می‌کند. شریک دیگر می‌تواند الزام او را به تأمین تجهیزات درخواست کند. اگر این امر ممکن نباشد^{۴۲}، می‌تواند خسارت ناشی از نقصان سود یا هزینه‌های تحمیل شده را مطالبه نماید.

۳-۴-۵- مطالبه خسارت (بدون فسخ یا به همراه آن)

در برخی موارد، شریک زیان‌دیده مایل است مشارکت ادامه یابد و صرفاً خواهان جبران خسارت ناشی از تخلف از شرط باشد. در این وضعیت، می‌تواند بدون فسخ قرارداد، خسارت خود را بر اساس قواعد مسئولیت مدنی مطالبه کند. این حالت به ویژه در شرط فعل که اجرای آن ممکن است دشوار یا زمان‌بر باشد، کاربرد دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۴، ۱۳۵). همچنین، اگر شریک تصمیم به فسخ بگیرد، می‌تواند همراه با فسخ، خسارت‌های ناشی از تخلف^{۴۳} را نیز مطالبه نماید. در حقوق ایران، هیچ منعی برای جمع میان فسخ و مطالبه خسارت وجود ندارد (محقق داماد، ۱۴۰۱، ۴۶۲).

۳-۴-۵- بطلان عقد (در صورت تخلف از شرط نتیجه)

برخی شروط بنایی از نوع «نتیجه» هستند؛ یعنی شرکاء توافق کرده‌اند که امری در آینده به نتیجه مشخصی برسد. اگر آن نتیجه حاصل نشود و علت عدم حصول به تخلف یکی از شرکاء بازگردد، بسته به نوع عقد و قصد طرفین، ممکن است عقد^{۴۴} باطل شود یا حق فسخ ایجاد گردد (کاتوزیان،

۴۰- برای مثال، تعهد به انجام کار شخصی بوده و آن شخص فوت کرده باشد

۴۱- ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ یا قاعده تسبیب

۴۲- مثلاً تجهیزات مذکور دیگر در بازار موجود نباشد

۴۳- مانند هزینه‌هایی که به اتکای شرط انجام داده است

۴۴- یا تعهد مربوطه

۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴). برای مثال، شرط بنایی شده باشد که «تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ پروانه ساختمانی اخذ شود» و به دلیل تقصیر یکی از شرکاء این اتفاق نیفتد. در این صورت، شریک دیگر می‌تواند عقد را منحل شده تلقی کرده و از هر تعهدی خارج شود.

۴-۶- چالش‌های پذیرش و اثبات شرط بنایی در مشارکت مدنی

به‌رغم تمام ظرفیت‌ها و فوایدی که شرط بنایی برای مشارکت مدنی دارد، پذیرش و اثبات آن در عمل بدون چالش نیست. شناخت این چالش‌ها برای اعمال درست این نهاد ضروری است.

۱-۴-۶- چالش اثبات

خواهان باید تبنانی پیشین را با مکاتبات، ایمیل‌ها، صورتجلسات، شهادت شهود یا قرائن اثبات کند (طالب احمدی، ۱۳۹۷، ۳۷۱).

۲-۴-۶- چالش تشخیص از توافقات مقدماتی غیرالزام‌آور

همه توافقات مقدماتی شرط بنایی محسوب نمی‌شوند. شرط بنایی آن دسته از توافقاتی است که عقد بر مبنای آن استوار شده باشد؛ درحالی‌که برخی از گفت‌وگوهای مقدماتی صرفاً جنبه اطلاعاتی و اکتشافی دارند و به معنای پذیرش شرط نیستند (لطفیانی و لعلی، ۱۳۹۴، ۶۴). تشخیص این که یک گفت‌وگوی مقدماتی به سطح شرط بنایی رسیده است یا خیر، با دادگاه است و باید با بررسی قصد واقعی طرفین، وابستگی عقد به آن شرط و قرائن موجود صورت گیرد. وجود عبارت‌هایی نظیر «به شرط آن که»، «با این توافق که» و «مبنی بر این که» در مذاکرات، می‌تواند نشانه قصد اشتراط باشد (شهیدی، ۱۴۰۳، ۳۴۳).

۳-۴-۶- چالش تعارض با اصل آزادی قراردادها

برخی ممکن است بگویند پذیرش شرط بنایی با اصل آزادی قراردادها^{۴۵} در تعارض است، زیرا طرفین آزادانه تصمیم گرفته‌اند شرط را در متن عقد درج نکنند و این تصمیم باید محترم شمرده شود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۸۷). پاسخ این است که شرط بنایی برخلاف اراده طرفین تحمیل نمی‌شود؛ بلکه بر اساس قصد و رضای واقعی آنان استوار است. طرفین در مذاکرات بر روی شرط توافق کرده‌اند؛ عدم درج در متن یا به دلیل سهو و غفلت است^{۴۶} یا به دلیل عدم نیاز به تصریح^{۴۷} (صابریان، ۱۳۸۸، ۱۰).

۴-۴-۶- چالش رویه قضایی غیرمنسجم

رویه قضایی ایران در مورد شرط بنایی یکدست و منسجم نیست. برخی دادگاه‌ها شرط بنایی را در عقود مالی معتبر می‌دانند و برخی دیگر با استدلال به عدم نص قانونی، از پذیرش آن خودداری می‌کنند. این ناهماهنگی، یکی از موانع مهم در اعتماد شرکاء به استنادپذیری شروط بنایی است (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۴۶۵). راهکار اساسی برای رفع این چالش، صدور رأی وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور است که به صراحت اعتبار شرط بنایی را در همه عقود از جمله مشارکت مدنی به رسمیت بشناسد. تا آن زمان، طرفین می‌توانند با درج شرط «تسری توافقات مقدماتی به عقد» در متن سند نهایی، خود را از مزایای شرط بنایی بهره‌مند سازند.

نتیجه

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که هرچند در فقه امامیه درباره اعتبار شرط بنایی اختلاف نظر وجود دارد، حقوق موضوعه ایران در این زمینه موضعی روشن و صریح اتخاذ کرده است. ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی با عبارت «خواه وصف مزبور در عقد تصریح شده باشد یا عقد متبایناً بر

۴۵- ماده ۱۰ قانون مدنی

۴۶- که در این صورت شرط بنایی نقش نجات‌بخش دارد

۴۷- که در این صورت شرط بنایی صرفاً همان چیزی را اجرا می‌کند که اراده کرده‌اند

آن واقع شده باشد» اعتبار شرط بنایی را به رسمیت شناخته و آن را همطراز شرط مصرح در عقد قرار داده است. این رویکرد در ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی^{۴۸} و ماده‌های ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴ و ۴۱۵ قانون مدنی^{۴۹} نیز تأیید شده است. با استناد به وحدت ملاک از ماده‌های یاد شده، همچنین با تکیه بر ماده ۱۰ قانون مدنی و قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم» می‌توان قلمرو شرط بنایی را فراتر از موارد مصرح توسعه داد و آن را شامل قراردادهای مشارکت مدنی نیز دانست.

قراردادهای مشارکت مدنی به دلیل ماهیت مشاعی، بلندمدت و پیچیدگی فنی و اقتصادی، بستر مستعدی برای شکل‌گیری شروط بنایی محسوب می‌شوند. در این نوع قراردادها که از مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی در نظام بانکی و سرمایه‌گذاری ایران به شمار می‌روند، مذاکرات مقدماتی اغلب ماه‌ها و گاه سال‌ها به طول می‌انجامد و توافقات مهمی در خلال آن‌ها حاصل می‌گردد که به دلایل مختلفی نظیر فرسایشی شدن مذاکرات، فشار زمان یا صرفه‌جویی در هزینه تنظیم سند، در متن نهایی عقد درج نمی‌شوند. شرط بنایی می‌تواند این خلأ را پر کرده و با اعتبار بخشیدن به آن دسته از توافقات پیشینی که عقد بر مبنای آن‌ها استوار گردیده، از حقوق طرفین در برابر تخلفات احتمالی حمایت نماید. در نهایت، با وجود ظرفیت‌های قابل توجه شرط بنایی برای سامان‌دهی روابط قراردادی در مشارکت مدنی، کاستی‌ها و موانعی نیز در مسیر پذیرش عملی آن وجود دارد که از جمله می‌توان به دشواری اثبات تبانی در دادگاه، فقدان رویه قضایی منسجم و یکدست و نبود رأی وحدت رویه در این زمینه اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با اصلاح یا الحاق ماده‌ای به قانون مدنی، صراحتاً اعتبار شرط بنایی را در کلیه عقود لازم و جایز از جمله مشارکت مدنی اعلام نماید. تا پیش از آن، دادگاه‌ها و داوران می‌توانند با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی، ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، وحدت ملاک از ماده‌های ۱۱۱۳ و ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴ و ۴۱۵ قانون مدنی و قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، شروط بنایی را در قراردادهای مشارکت مدنی معتبر شناخته و در صورت تخلف، حکم به فسخ، الزام

۴۸- در عقد نکاح

۴۹- در عقود معین

به اجرا یا جبران خسارت صادر کنند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- امامی، سیدحسن، ۱۴۰۳، **حقوق مدنی**، جلد چهارم، چاپ بیست و هفتم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- امامی، سیدحسن، ۱۴۰۴، **حقوق مدنی**، جلد دوم، چاپ سی و یکم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- خبیری، محمدعلی؛ جويا، محمدعلی؛ موسوی، سیدرضا، ۱۳۹۸، **رویکرد حقوقی به مذاکرات پیش قراردادی (از تعهد تا ضمانت اجرا)**، چاپ اول، تهران، انتشارات آرایان.
- شکاری، روشنعلی، ۱۳۷۷، **شرط ابتدایی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۳۹.
- شهیدی، مهدی، ۱۴۰۳، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات مجد.
- صابریان، علیرضا، ۱۳۸۸، **ماهیت شرط بنایی از نظر فقه امامیه و حقوق مدنی، فصلنامه پژوهش‌های فقهی**، شماره ۲.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، ۱۴۰۱، **حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)**، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین، ۱۴۰۴، **مسئولیت‌مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چاپ بیستم، تهران، انتشارات سمت.
- طالب احمدی، حبیب، ۱۳۹۷، **مسئولیت پیش‌قراردادی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- قناتی، جلیل؛ وحدتی شیرازی، سیدحسن؛ عبدی پور، ابراهیم، ۱۴۰۲، **حقوق قراردادها در فقه امامیه**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد چهارم، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۳، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد اول، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۴، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد سوم، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- لطفیانی، سیامک و لعلی، علی، ۱۳۹۴، **توافقی‌های مقدماتی در حقوق ملی و فراملی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۱، **نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی**، چاپ ششم، قم، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۴، **قواعد فقه بخش مدنی**، چاپ شصت و نهم، قم، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

عربی

- انصاری، مرتضی، ۱۳۸۵، **کتاب المکاسب**، جلد ششم، چاپ دوم، قم، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.

- انصاری، مرتضی، ۱۳۹۲، **کتاب المکاسب**، جلد اول، قم، انتشارات دارالحکمه.

- طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۷۸، **حاشیه المکاسب**، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.

- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۶، **تحریرالوسیله**، جلد دوم، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات اسلامی.

- نجفی خوانساری، موسی، ۱۳۷۳، **منیه الطالب فی حاشیه المکاسب**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات حیدری.

- نجفی، محمدحسن، ۱۴۳۰ق، **جواهر الکلام فی شرح شرائع السلام**، جلد هشتم، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.

- نجفی، محمدحسن، ۱۴۳۰ق، **جواهر الکلام فی شرح شرائع السلام**، جلد بیست و سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.28- Summer 2026

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayede Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL

Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghavi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri